



مقالات : مهریه و حق حبس زن و شرایط و نتایج اعمال آن

پدیدآورنده (ها) : وکیلان، محمدرضا

حقوق :: نشریه قضاوت :: دی و بهمن ۱۳۸۱ - شماره ۱۱

صفحات : از ۱۵ تا ۱۷

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/861269>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۳/۱۱/۲۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- جهانی شدن و چالش مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران
- الگوی مدیریت بحران سیاسی در سیره امام خمینی (ره)
- نگاهی نو به حق و تکلیف از دریچه نهج البلاغه
- اعجاز فیزیکی قرآن
- حق و تکلیف
- قرارداد انتقال طلب
- یک کلمه، قانون نه
- «شکایت ثالث از عملیات اجرایی» در مقایسه با «اعتراض ثالث به رأی»
- مدخلی بر خدمات عمومی الکترونیک در نظام حقوقی ایران
- تقسیم خسارت میان مسؤولان متعدد در مسؤولیت قهری
- بررسی استقلال نهاد آمبودزمان با نگاه تطبیقی
- مفهوم و مبانی اصل آزادی تحصیل و ارزیابی دلیل در دادرسی کیفری

عناوین مشابه

- بررسی اقسام حق حبس در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و امکان پذیرش و اعمال آن‌ها در حقوق ایران
- مبانی و قلمرو «حق حبس» در حقوق ایران و فقه امامیه و مقایسه آن با حقوق کامن لاء، فرانسه و آلمان
- حق امتیاز متعارف به مثابه رایج‌ترین ضابطه تقویم خسارت در دعاوی نقض حق اختراع در رویه قضایی آمریکا و ارزیابی اعمال آن در نظام حقوقی ایران
- مفهوم و شرایط اعمال نظریه عمومی ارش و مقایسه آن با قاعده تقلیل ثمن با مطالعه تطبیقی
- حق حبس و مبانی آن در عقود معاوضی با تکیه بر دیدگاه امام خمینی(س)
- شرایط ایجاد و امکان اجرای حق حبس در تعهدات منفی قراردادی (مطالعه تطبیقی در حقوق مدنی افغانستان و ایران)
- تحلیل اثر قید عندالاستطاعه در آراء محاکم از دو منظر ماهیت مهریه و حق حبس زوجه
- مطالعه تطبیقی مفهوم حق حبس و تمیز آن از مفاهیم مشابه
- واکاوی تراحم حق حبس و حق استمتاع بین زوجین و راه‌کارهای حل آن
- بحث انتقادی در خصوص اعمال حق حبس (ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی) و حقوق و تکالیف زوجین

محمد رضا وکیلان قاضی محترم دادگستری

مهریه

و حق حبس زن و

شرایط و نتایج اعمال آن



ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی حکایت دارد: زن می‌تواند تا مهریه او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.

یکی از مظاهر بارز قاعده «عدل و انصاف» حق حبس است. در عقود معوض هر یک از طرفین بعد از ختم عقد حق دارد مالی را که به طرف منتقل کرده به او تسلیم نکند تا طرف هم متقابلاً حاضر به تسلیم شود به طوری که در آن واحد (بدل‌به‌بد) تسلیم و تسلّم به عمل آید. (۱)

در ادبیات حقوقی به این امکان امتناع از انجام تعهد تا ایفاء تعهد طرف مقابل در عقود معاوضی «حق حبس» می‌گویند. در نظر فقها و حقوقدانان این حق ناشی از قواعد کلی و عمومی عدل و انصاف است که در عقد نکاح نیز جاری می‌دانند. فقها با عباراتی شبیه به:

«لزوجه الامتناع قبل الدخول حتی تقبض مهرها ان كان حالاً» (۲) و حقوقدانان با عباراتی مانند: چون مهر در عقد نکاح عوض است، لذا زوجه می‌تواند قبل از دریافت مهر از ایفاء وظایف زناشویی خودداری کند. (۳) «مهر مشروع و رسمی بودن این حق تأکید نموده‌اند.

به قول اکثر حقوقدانان وظایف زناشویی منحصر در تمکین خاص زوجه از زوج نیست، بلکه زوجه مجاز است تا گرفتن مهر خود از تمام وظایف زندگی مشترک مانند سکونت زن در منزل شوهر و پذیرش حق ریاست شوهر بر خانواده خودداری نماید. (۴)

استاد دکتر ناصر کاتوزیان در جلد اول از کتاب خانواده می‌گویند: «...باید اعتراف کرد که جدا کردن وظایف زناشویی از یکدیگر در پاره‌ای امور دشوار است. برای مثال چگونه می‌توان از زنی انتظار داشت که به خانه شوهر رود و با او زندگی کند و بتواند از تمکین امتناع ورزد...»

رویه قضائی نیز گویای صحت این استنباط حقوقی می‌باشد. کما اینکه شعبه سوم دیوان طمی حکم شماره ۱۳۷۴۲۹۰۲۴۶۰/۲۹۰۲۴۶۰ بازگشت زن به منزل شوهر را از مصادیق تمکین دانسته است.

برای آنکه زوجه بتواند از حق حبس خود استفاده کند وجود شرایط زیر لازم است:

۱- مهریه حال باشد. برابر ماده ۱۰۸۳ قانون مدنی مهر می‌تواند کلاً یا جزئاً حال یا به وعده باشد. اگر مهر مدت دار باشد زمانی زوجه حق مطالبه آنرا دارد که مدت سپری گردد و چون از زمان عقد نکاح زوج مجاز است که ایفاء وظایف زناشویی را از زوجه طلب کند، زوجه نمی‌تواند از حق حبس خود استفاده کند. اما در فرضی که زوج از زوجه طلب ایفاء وظایف زناشویی را ننماید و زمان پرداخت مهریه فرا رسد لامحال زوجه نیز خواهد توانست از حق حبس خود تا

استیفاء مهرش استفاده کند. در صورتی که مهر وعده دار نباشد چون به موجب ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی به محض وقوع عقد نکاح زوجه مالک مهر می‌شود، چنانچه مهر عین معلوم باشد می‌تواند در آن هر نوع تصرف مالکانه‌ای بنماید و اگر مهر وجه

یا مسلولک باشد می‌تواند آنرا مطالبه کند و تا زمانی که زوج آن را تأدیه ننماید می‌تواند از حق حبس خود استفاده کند.

۲- زوجه قبل از گرفتن مهریه به ایفاء وظایف زناشویی اقدام نکرده باشد. برابر ماده ۱۰۸۶ قانون مدنی چنانچه زوجه قبل از گرفتن مهریه به اختیار و اراده خود از زوج تمکین خاص نماید. حق حبس وی ساقط گردیده و دیگر مجاز به امتناع از تمکین و سایر وظایف زناشویی نیست. در این رابطه بیان دو نکته سودمند است:

اول: در اینجا مقصود از وظایفی که زوجه در مقابل شوهر دارد مندرج در ماده ۱۰۸۶ قانون مدنی ناظر به تمکین خاص است. شهید اول در این مورد معتقد است زن می‌تواند پیش از نزدیکی کردن، امتناع کند تا مهر خود را بگیرد در صورتی که مهر بدون مدت باشد ولی حق ندارد پس از آن (نزدیکی) امتناع کند.

دوم: اگر زوجه به جبر و زور یا اکراه یا در حال بیهوشی تسلیم زوج شود حق حبس وی ساقط نمی‌گردد.

۳- هنگام عقد نکاح زوجه نداند که زوج قادر به پرداخت مهر نیست، چنانچه مهر مدت دار باشد قدرت زوج بر پرداخت مهر هنگام تأدیه لازم است

و چنانچه مهر تماماً یا جزئاً حال باشد و زوجه زمان عقد نکاح نداند که زوج قادر به پرداخت نیست یا بعد از عقد نکاح تا موقع «عروسی» زوج معسر ندارد گردد حق حبس برای زوجه تا گرفتن تمام یا آن قسمت از مهر که حال است. وجود خواهد داشت آقای دکتر ناصر کاتوزیان در این مورد گفته‌اند: «...به هر حال اعسار شوهر حق حبس زن را از بین نمی‌برد زیرا راست است که در چنین حالتی مطالبه مهر از او امکان ندارد ولی باید دانست که امکان گرفتن مهر با استفاده از حق حبس ملازمه ندارد. همچنین در موردی که دادگاه یا اجرای ثبت به درخواست شوهر و به دلیل اعسار او مهلت عادلانه می‌دهد یا قرار اقساط می‌گذارد، نباید مهر را موجب پنداشت زیرا، اجلی که بدین گونه بر زن تحمیل می‌شود، حاکی از اراده او بر سقوط حق حبس نیست.» (۵)

اما این پرسش مطرح است اگر هنگام عقد نکاح زوج نثار بوده و زوجه از این امر آگاه بوده است و مهریه نیز حال باشد آیا زوجه می‌تواند به استناد حق حبس از تمکین و ایفاء وظایف در مقابل شوهر تا گرفتن مهریه خودداری کند؟

برای روشن شدن موضوع می‌توانیم این مثال را در نظر بیآوریم: خانمی به همسری مرد جوان

دانشجویی با مهریه هزارسکه طلا که بر عهده زوج است در می آید این در حالی است که زوجه وضعیت و شرایط اقتصادی و عدم قدرت وی را در هنگام عقد اطلاع داشته است. آیا زوجه می تواند به استناد حق حبس از ایفای وظایف زناشویی خودداری کند؟

برای پاسخ این سؤال: ابتدا باید توجه داشته باشیم که قوانین و مقررات مربوط به موضوع های خانوادگی مانند قربانیت، نکاح و طلاق، اولاد، نگهداری و تربیت اطفال، ولایت و حضانت که بنیان جامعه را شکل می دهند مربوط به «مصلح اجتماعی» بوده و تابع قواعد و مقررات آمره و اجتناب ناپذیر هستند. عقد نکاح هم که بر اساس رضایت زوجین و به قصد تشکیل خانواده و زندگی مشترک و نگاهداری و تربیت فرزندان واقع می شود در ارتباط با «مصلح عمومی» جامعه می باشد. در تمامی عقود رضایی که با توافق طرفین منعقد می شود طرفین به آسانی با توافق می توانند آنها را بر هم زده و حتی آثار آنها را هم زایل کنند. اما انحلال زندگی مشترک مستلزم پیروی از قواعد و تشریفات است که حکومت با هدف جلوگیری از تلاشی خانواده آنها را وضع نموده است، می باشد و حتی با انحلال نکاح آثار به جای مانده از نکاح مانند انتساب فرزندان مشترک به والدین را نمی توان از بین برد و همانطور که گفته شد بین مهریه و پیوند زناشویی رابطه علیت وجود ندارد و نباید عقد نکاح را با خرید و فروش یا سایر عقود معوض قیاس نام کرد. کمابینه قانونگذار در مواد ۱۰۸۱ و ۱۰۸۷ و ۱۱۰۰ قانون مدنی مقرراتی را پیش بینی کرده است که به طور حتم دلالت بر آن دارد که وضعیت مهریه ارتباطی با اصل نکاح و طلاق ندارد.

بنابراین خانمی که اطلاع دارد خواستگار وی قادر به پرداخت مهریه نیست و باین وصف به عقد ازدواج وی درمی آید نه تنها نمی تواند به لحاظ عدم قدرت و استطاعت زوج بر پرداخت مهریه تقاضای بطلان عقد (۱۰۸۱ قانون مدنی) (۶) را بنماید بلکه مجاز به استفاده از حق حبس هم نیست و از این رو می بایست بلافاصله پس از عقد یا درخواست زوج به ایفای وظایف زناشویی اقدام نماید و گرنه فاششده (۷) محسوب خواهد شد.

بعضی از دلایل درستی این ادعا به شرح زیر می باشد:

۱- از آن آیه مبارکه «لا تمسکوا بعهده لا ضرر استنباط می شود، اگر کسی برای دستیابی به حق خود راهی را انتخاب کند که موجب ضرر دیگری شود در حالی که می توانست از طریقی دیگر که ضرری متوجه دیگری نشود به آن حق یا امتیاز دست یابد، این نحو عمل مذموم و ممنوع می باشد (متنوعیت استیفای حق به ضرر غیر) خانمی که یکی از مقاصد وی تحصیل مهریه (حق مشروع و قانونی) است، می بایست همسری مردی را برگزیند که هنگام عقد متمکن باشد و گرنه با علم و اطلاع از اینکه زوج متمکن نیست نمی تواند استیفای حقش (حق حبس برای گرفتن مهریه) را به ضرر زوج اعمال نماید.

۲- قاعده «عدل و انصاف» که بر رعایت موازنه

در امور استوار است و ناشی از وجدان و فطرت انسانی است و همان حق حبس زوجه را تجویز می نماید، به خانمی که عالماً عامداً به عقد مردی درآمده که فاقد قدرت و استطاعت مالی است این اجازه را نمی دهد که از ایفای وظایف زناشویی سرباز زند.

۳- قاعده فقهی «اقدام» دلالت دارد: «هر کس به ضرر خود اقدامی کند در مورد این عمل کسی در مقابل او مسؤولیت مدنی ندارد» در فرضی که خانمی هنگام عقد نکاح با علم به اینکه زوج قدرت و استطاعت پرداخت مهریه را ندارد، به عقد نکاح وی درمی آید، فی الواقع مبادرت به «اقدام» علیه خود کرده است. لذا نمی تواند به لحاظ اقدام خود مسؤولیت زوج را به پرداخت فوری مهریه بخواهد، بلکه مکلف است ضمن ایفای وظایف زناشویی تا زمان قدرت و استطاعت زوج به پرداخت مهریه منتظر بماند.

۴- وقتی که زوجه می پذیرد مهریه او مدت دار باشد در حقیقت بطور ضمنی حق حبس خود را ساقط کرده است. بالطبع وقتی که هنگام عقد نکاح می داند زوج قادر به تأدیه مهریه نیست فی الواقع پذیرفته است که مهریه را زمانی از زوج مطالبه کند که وی قادر و مستطیع از پرداخت باشد و در اینجانب بطور ضمنی حق حبس خود را ساقط کرده است. (۸) همین لحاظ در گذشته عموماً و در حال حاضر نیز پاره ای از سردفتران ازدواج در نکاحنامه ها قید می کنند: «مهریه بر ذمه است که می بایست «هندالقدره و الاستطاعه» بپردازد. (۹)

۵- گروهی از فقها اعتقاد دارند: «چنانچه مهریه زن از ابتدا به قدری زیاد باشد که زوجه از اول می دانسته که شوهر توان پرداخت آن را ندارد در چنین صورتی حق حبس از او ساقط است و در صورت عدم تمکین ناشیه می شود. (۱۰)

نتایج اعمال حق حبس زوجه
زمانی که زوجه از حق حبس خود استفاده می کند امتیازهای زیر از اعمال این حق برای وی حاصل می شود:
۱- زوجه را نمی توان ملزم به تمکین خاص و ایفای سایر وظایف زناشویی کرد.

۱-۱ رای شماره ۱۳۶۹۷/۱۱=۵۲۶ شعبه ۳۳ دیوانعالی کشور حکایت دارد: «با توجه به محتویات پرونده کلاسه ۳۳-۶۸ مدنی خاص و امعان نظر در این و با توجه به استحقاق زوجه دوشیزه که شرعاً و طبق ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی می تواند تمکین ندهد تا مهریه به او پرداخت شود. علیهذا الزام دوشیزه... به تمکین از شوهرش آقای... قبل از پرداخت مهریه موجه و شرعی و قانونی نمی باشد...»

۱-۲ دکتر سید مصطفی محقق داماد در کتاب بررسی فقهی حقوق خانواده می گویند: «زوجه می تواند مادام که مهر را دریافت نداشته است از سکونت در مسکنی که شوهر تهیه نموده خودداری کند و اگر چنین کرد ناشزه محسوب نمی شود...»

۲- در صورت تقسیت پرداخت مهریه حق حبس زوجه تا پایان دریافت تمامی اقساط به قوت خود باقی می ماند. مفاد رای شماره ۸-۷۷/۲۲-۷۷ شعبه ۱۹ دیوانعالی کشور چنین حکایت دارد: «...»

زوجه غیر مدخوله است... بنابراین تمکین زوجه غیر مدخوله از زوج منوط پرداخت تمام مهریه می باشد...»

کمیسیون حقوقی شورای عالی قضائی در پاسخ به این سؤال، در صورتی که مهریه زوج حال باشد با علم قدرت زوج از پرداخت مهریه به صورت نقد و کسر نمودن از حقوق به طور اقساط، آیا زوجه تا وصول کلیه مهریه حق امتناع از تمکین دارد و در صورت امتناع حق نفقه دارد یا خیر؟ اظهار نظر نموده است: «تا وصول مهریه حق امتناع از تمکین و استحقاق نفقه را با توجه به ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی دارد.»

۳- زوجه مستحق نفقه خواهد بود. قسمت اخیر ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی به صراحت زن را زمانی که اعمال حق حبس می نماید مستحق نفقه می داند. بنابراین اگر زوجه حاضر به تمکین باشد ولی آن را موقوف به دریافت مهر که حق وی است، بنماید عنوان ناشزه نداشته و از این رو زوج مکلف است که نفقه همسرش را پرداخت کند.

خلاصه پرونده و رای شماره ۷۰۷۲۳/۲۶۵-۲۶۵ شعبه ۲۰ دیوانعالی کشور حکایت دارد: «نظر به اینکه هنوز نزدیکی صورت نگرفته و زوجه تمکین خود را مشروط به دریافت مهریه نموده است با این وصف زوجه ناشزه محسوب نمی شود...» همچنین از خلاصه پرونده ۸-۷۷/۲۲-۷۷ شعبه ۱۹ دیوانعالی کشور نیز که بیان می نماید... زن نمی تواند در صورت عدم تسلیم مهریه از وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط به حال بودن مهر، این امتناع مسقط نفقه نخواهد بود...» استنباط می گردد که زن در دوران اعمال حق حبس استحقاق مطالبه و دریافت نفقه را دارد. لذا در صورتی که زوج از پرداخت آن خودداری کند می تواند با مراجعه به دادگاه خانواده الزام زوج را به پرداخت نفقه ایام گذشته و ایام جاری بنماید.

۴- در صورت خودداری زوج از پرداخت نفقه، زوجه حق شکایت کفبری از زوج خواهد داشت. در نظر مشهور فقها اگر زوج در حال ایسار (توانائی مالی) از پرداخت مهریه خودداری کند، اولاً معصیت کرده است ثانیاً زوجه می تواند از تمکین خودداری نماید در حالی که حق نفقه وی نیز ساقط نشده و برای گرفتن حقوق خویش به دادگاه صالحه مراجعه، و دادگاه زوج را نسبت به عدم انجام وظیفه شرعی مواخذه و او را به پرداخت مهریه ملزم نماید... (۱۱) مقصود از مواخذه، تعزیر زوج می باشد و به همین جهت در ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد... دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می نماید، اکثریت قریب به اتفاق اعضای کمیسیون بررسی امور حقوقی و قضائی دادگستری استان تهران در (۱۳۷۷/۱) در این مورد چنین اظهار نظر نموده اند: «با توجه به مواد ۱۰۸۵ و ۱۱۰۸ قانون مدنی چون زوجه به علت مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع می کند و این امتناع مسقط حق نفقه او نیست، به عبارت دیگر مستحق دریافت نفقه از شوهر می باشد، چنانچه

(۱۱) صفحه ۲۴۶ کتاب بررسی فقهی حقوق خانواده - محقق داماد. دکتر سید مصطفی
مجله قضاوت:

شکایت ترک نفقه زوجه با عذر عدم تسلیم مهریه از سوی زوج فاقد وصف کیفری است.

در ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی این اختیار به زوجه داده شده است که تا وصول تمامی مهریه از تمکین و ایفای وظایف زناشویی خودداری نماید این امتناع مسقط حق نفقه وی نخواهد بود در ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی آمده است:

هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تأدیه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع نماید دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می نماید.

پس تعقیب جزائی زوج را با دو شرط قانون گذار جایز دانسته اول استطاعت مالی و دوم تمکین زوجه.

برخی از محاکم اعتقاد داشتند مراد از تمکین بمعنای عام است و زوجین می توانند در صورت عدم پرداخت مهریه از تمکین به معنی خاص امتناع ورزد و با فرض مذکور شکایت کیفری زوجه با توجه به ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی و ماده ۶۴۲ قابل استفااع است چون حداکثر مجازات مقرر قانون تجدید نظر خواهی را از ناحیه محکوم ممنوع نموده بود نهایتاً موضوع در هیئت عمومی دیوان عالی کشور مطرح گردید و نهایتاً امتناع زوجه از تمکین را مسقط تعقیب کیفری زوج دانست.

نکته: نماینده دادستان محترم کل کشور در جلسه وحدت رویه قضایی عقیده داشت که مراد از تمکین که در ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی آمده تمکین در مقابل نشوز است بنابراین عدم تمکین از شوهر مادامی که مهر به زن تسلیم نشده باشد نشوز او نیست و از جهت کیفری قابل تغییر می باشد.

رای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور

گرچه طبق ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی مادام که مهریه زوجه تسلیم نشده، در صورت حال بودن مهر، زن می تواند از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود لکن مقررات این ماده صرفاً به رابطه حقوقی زوجه و عدم سقوط حق مطالبه نفقه زن مربوط است و از نقطه نظر جزایی بالحفاظ مدلول ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۲/۱۳ مجلس شورای اسلامی که بموجب آن حکم به مجازات شوهر به علت امتناع از تأدیه نفقه زن به تمکین زن منوط شده است و با وصف امتناع زوجه از تمکین ولو به اعتذار استفاده از اختیار حاصله از مقررات ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی حکم به مجازات شوهر نخواهد شد و در این صورت حکم شمیة دوم دادگاه عمومی تهران مشعر بر برائت شوهر از اتهام ترک اتفاق زن که با این نظر مطابقت دارد با اکثریت قریب به اتفاق آراء صحیح و قانونی تشخیص می شود. این رای وفق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد لازم الاتباع است.

قضائی عبده نیز موید این موضوع است.
(۶) ماده ۱۰۸۱ قانون مدنی: فاگر در عقد نکاح شرط شود که در صورت عدم تأدیه مهر در مدت معین نکاح باطل خواهد بود نکاح و مهر صحیح ولی شرط باطل است.
(۷) زوجه ای را گویند که حقوقی ناشی از نکاح را که برای زوج حاصل شده ایفا نکند و ترمنولوژی حقوق.
(۸) ماده ۲۲۰ قانون مدنی - عقود نه فقط متعاملین را به اجرای آن چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می نماید بلکه متعاملین به کلیه نایبجی هم که به موجب عرف و عادات پایه موجب قانون از عقد حاصل می شود ملزم می نماید.
(۹) حقوق مدنی خانواده جلد اول صفحه ۱۵۸ - دکتر ناصر کاتوزیان.
(۱۰) - حقوق خانواده صفحه ۱۹۱ جواد حبیبی تبار.

شوهر با داشتن استطاعت، نفقه او را ندهد مطابق ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی قابل تعقیب و مجازات است. «باید توجه داشت در اینجا مقصود از استطاعت، قدرت پرداخت نفقه جاریه زن است. این امکان وجود دارد که مردی قادر به پرداخت مهریه نباشد. ولی استطاعت پرداخت نفقه جاریه را داشته باشد. که در این حالت زوج مکلف به پرداخت نفقه جاریه زوجه بوده که در صورت امتناع از پرداخت قابل تعقیب کیفری و مجازات خواهد بود.

- (۱) استاد جعفری لنگرودی، ترمنولوژی حقوق و مبسوط در ترمنولوژی حقوق
- (۲) شهید اول کتاب النکاح
- (۳) سید علی حائری شامیغ، شرح قانون مدنی
- (۴) مواد ۱۱۱۴ و ۱۱۰۵ قانون مدنی
- (۵) حکم شماره ۲۷۵۲-۱۳۷۱/۱۳۷ اصول

